احیای هویت ملی

نقش محوری میراث فرهنگی در توسعه گردشگری و صنایع دستی ایران

علیرضا قلی‌نژاد
پیش‌کسوت میراث فرهنگی

صنعت گردشگری و صنایع دستی ایران ظرفیت‌های بی‌نظیری برای رونق اقتصادی و فرهنگی کشور دارند. اما برای به فعلیت رساندن این ظرفیت‌ها، شناخت درست از نقش محوری میراث فرهنگی به‌عنوان مهم‌ترین نشانه هویت ملی ایران و ایرانی ضروری است. در راستای توجه و عمل به این نقش و جایگاه، بررسی ویژگی‌های وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی از منظر حوزه میراث فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ به‌خصوص آنکه طی بیش از دو دهه مدیریت بر ادغام این سه حوزه، شاهد تضعیف نقش میراث فرهنگی و به تبع آن تنزل کیفی صنعت گردشگری و صنایع دستی بوده‌ایم. بدون تردید بررسی نقش و جایگاه حوزه‌های گردشگری و صنایع دستی در سه گاه وزارت مذکور در جای خود امری لازم و ضروری است.

۱- وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی بر اساس قانون تشکیل مصوب ۱۳۹۸/۰۴/۲ و بر پایه اساس‌نامه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تمامی مسئولیت‌های سازمان مذکور را عهده‌دار است. آن‌گونه که در بخشی از ماده ۲ قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و بعدها در الحاق سازمان صنایع دستی و طبیعتا تشکیل وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی آمده است، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری بر اساس اساس‌نامه سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب ۱۳۶۷/۴/۲۸ اداره می‌شود. جدای از آن، باز بر وضعیت و دامنه مسئولیت‌های حاکمیتی حوزه میراث فرهنگی پیش از ادغام و پس از آن، جایگاه خاص این حوزه در نظم دیگر اندازه‌ی است. متأسفانه علی‌رغم گذشت بیش از دو دهه از ادغام، تجارب تلخ و اغلب، تاسف‌باری در حوزه‌های مرتبط با میراث فرهنگی کسب شده که تأثیرات وضعی آن دامن‌گیر دو حوزه دیگر نیز شده است. به نظر می‌رسد این تجارب تلخ حاصل عواملی است که عمده‌ترین آن عدم آگاهی و تخصص مستقیم رؤسا و تصمیم‌گیران اصلی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و وزارت فعلی نسبت به حوزه میراث فرهنگی است. گرچه در آشنایی عمومی و علاقه مسئولان مذکور به این حوزه نمی‌توان تشکیک کرد، اما به نظر می‌رسد پذیرش مسئولیت چنین وزارتخانه‌ای نیازمند احاطه‌ای بیش از علاقه و اشتیاق است. اگر توجه به حفظ و احیای هویت، سرمایه‌های ملی و آیینی و نقش آن در سلامت روحی و اقتدار و همبستگی ملی را از جنس حفظ سلامت جسمی و بلکه پیچیده‌تر از آن بدانیم، همان‌گونه که انتظار داریم وزیر بهداشت از میان منتخبان با تحصیلات عالی پزشکی انتخاب شود، انتظارمان در رابطه با تحصیلات وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی نیز باید تحصیلاتی در حوزه میراث فرهنگی باشد. البته همان‌گونه که خواهیم دید، آن‌گاه که از میراث فرهنگی صحبت به میان می‌آوریم، منظورمان توجه به حوزه‌ای با مسئولیت‌های فرابخشی و حاکمیتی است که با وجود اهمیت فراوان دو حوزه دیگر از حساسیت بیشتری در زمینه‌های مختلف برخوردار بوده، بلکه زمینه‌ساز توفیق و شکوفایی صنعت گردشگری و صنایع دستی است.

۱. پژوهش حفظ، احیا و معرفی میراث فرهنگی، هویت، مهم‌ترین سرمایه ملی

میراث فرهنگی ایران آینه تمام‌نمای هویت ملی و مهم‌ترین سرمایه ایران و ایرانی است؛ سرمایه‌ای که علی‌رغم تمام مصائب درون‌سرزمینی و برون‌سرزمینی در رهگذر تاریخ آن‌گونه که امروز هست، به ما رسیده و مهم‌ترین وظیفه ما ضمن بهره‌مندی از مزایای آن، حفاظت از این سرمایه بی‌بدیل برای انتقال به نسل‌های آینده است. می‌توان به موارد زیر به‌عنوان مهم‌ترین مزایای میراث فرهنگی اشاره کرد:

الف- زیست شرافتمندانه و کم‌خطر! ایران سرزمین مخاطرات زیستی است. سرزمینی «ناآرام» و به قولی «بی‌قرار». زیست شرافتمندانه و کم‌خطر در این سرزمین با مشکلاتی نظیر خشک‌سالی، سیل، زلزله، انواع مسائل زیست‌محیطی و بسیاری دیگر میسر نیست مگر به مدد بهره‌مندی از تجربه زیسته ایرانیان در طول تاریخ؛ تجاربی که بنا بر شواهد و اسناد تاریخی، نشان از همزیستی، هماهنگی با محیط، بهره‌برداری پایدار و آگاهانه از مواهب و مزایا و برخورد هوشمندانه با محدودیت‌ها و تبدیل آنها به مزایای زیستی دارد که تنها در سایه حکمت، تدبیر و تجربه ایرانیان در طول تاریخ کسب شده است. به این ترتیب، ادامه حیات شرافتمندانه و سعادتمندانه در این سرزمین جز با اتکا بر مطالعه و پژوهش در احوال گذشتگان و شواهد برجای‌مانده از ایشان به‌مثابه میراثی ارزشمند و کارساز در ترکیب با نیازهای دوران معاصر میسر نمی‌شود.

ب- تحکیم وحدت و وفاق ملی: یکی از مهم‌ترین مواهب در این زمینه، تحکیم وحدت و همبستگی ملی بر زمینه حفظ تنوع جغرافیایی، قومی و فرهنگی است. آن‌چنان که تجربه‌های بسی از جنگ‌های ویرانگر جهانی نشان داد و منجر به تشکیل اتحادیه‌های مختلف ملی و منطقه‌ای شد که جز از طریق به رسمیت شناختن و حفظ تنوع حیات فرهنگی در گستره سرزمین و معرفی آن نزد گروه‌های مختلف قومی و فرهنگی میسر نخواهد بود.

ج- زمینه‌ساز تحقق توسعه پایدار: یکی دیگر از ارزش‌های بالقوه توجه به میراث فرهنگی، نقش و جایگاه آن در زمینه‌سازی برای تحقق توسعه پایدار و همه‌جانبه در مقیاس‌های مختلف محلی و ملی است. با نگاهی منتقدانه به آنچه‌ای از طرح‌های توسعه‌ای و بررسی علل ناکامی آنها، به وضوح پیداست که فقدان آگاهی نسبت به مزیت‌ها و محدودیت‌های سرزمین و نبود نگاه آمایشی مبتنی بر این مزیت‌ها و محدودیت‌های ذاتی و حقیقی، عامل اصلی ناکامی‌های پیش‌گفته است و تنها مرجع بالادرین شناخت به سرزمین و ساکنان آن، میراث فرهنگی و نتایج حاصل از مطالعه و پژوهش در آن است.

د- کمک به ارتقای کیفیت فرهنگی محصولات و تولیدات ملی: از دیرباز مواهب توجه به میراث فرهنگی، نقش آن در شناسایی هویت ایرانی و صورت‌های تعین آن در محصولات و تولیدات مختلف فرهنگی، صنعتی و حتی خدماتی است. نمی‌توان به اتکای تولید محصول ایرانی با بازارهای جهانی به رقابت نشست بدون آنکه محصولات و تولیدات‌مان بهره‌ای از جوهره هویت ایرانی برده باشد.

ه- دیپلماسی میراث فرهنگی: از دیگر مزایای توجه به میراث فرهنگی در مقیاس مبادلات بین‌المللی این است که شباهت‌ها و تفاوت‌های هویتی در سایه میراث فرهنگی تاریخی و طبیعی بهترین وسیله برای جلب حسن هم‌جواری و مشارکت‌های سیاسی و اقتصادی بین دولت‌هاست و کشور ایران به دلیل مزیت‌های ژئوپلیتیکی در این زمینه ظرفیت‌های متنوعی و منحصربه‌فردی دارد. ازجمله این مزیت‌ها را می‌توان در کشورهای موسوم به کشورهای نوروز یا ایران بزرگ به کار بست و به همین ترتیب خاورمیانه و... از دیگر زمینه‌های جغرافیایی دیپلماسی میراث فرهنگی است که با توجه به اشتراکات میراث فرهنگی می‌توان زمینه مشارکت‌های بین‌المللی و بین‌الدولتی را به خوبی مهیا کرد. مزیت‌های توجه به میراث فرهنگی به همین‌جا ختم نمی‌شود؛ از دیگر مزیت‌ها می‌توان به «هویت ملی در آینه میراث فرهنگی، زیرساخت و توسعه‌دهنده صنعت گردشگری و صنایع دستی» و «میراث فرهنگی و هنرهای ملی، منبع الهام صنعتی» اشاره کرد.

۲- نقش حاکمیتی و فرابخش، میان‌بخشی و بخش وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

۲-۱- تکالیف فرابخشی میان بخشی و بخش میراث فرهنگی: میراث فرهنگی بنا بر ویژگی‌های خود، ماهیتی حاکمیتی دارد و در هر سه مقیاس فرابخش، میان‌بخش و بخش ذی‌نفوذ است و ویژگی بخش حاکمیتی آن، این است که قابل واگذاری به خارج از حاکمیت نیست و تکالیف و وظایف آن هیچ‌گاه و در هیچ صورت قابل توقف نیست؛ مانند آنچه در حوزه شناسایی و ثبت آثار، ملموس و ناملموس شاهد آن هستیم. با حفظ، نگهداری و نظارت بر اموال میراث فرهنگی تاریخی، با جلوگیری از قاچاق اموال میراث فرهنگی و... اینها و بیشتر از آنها از مسئولیت‌ها و وظایف غیرقابل توقف این وزارتخانه است. از طرفی منافع توجه به میراث فرهنگی در مقیاس میان‌بخش و فرابخش را می‌توان در موضوعات متنوعی نظیر ارتقای کارآمدی سایر وزارتخانه‌ها، بخش‌ها و نهادها، ایجاد پایداری زیستی، تحقق توسعه پایدار، همبستگی اجتماعی و ملی، امید به زندگی، سرزندگی و نشاط اجتماعی، پایداری اقتصادی و زیرساخت‌های روانی سرمایه‌گذاری و تولید، ثبات سیاسی، حسن هم‌جواری در مقیاس بین‌المللی و دیپلماسی میراث فرهنگی، مدیریت مقابله با محدودیت‌های زیستی نظیر خشک‌سالی، سیل، زلزله و... و به‌طور کلی زیست بهتر و محترمانه در سرزمین ایران برشمرد. همچنین یکی از منافع میراث فرهنگی، بسترسازی برای تقویت بخش گردشگری است. در حقیقت میراث فرهنگی بستری است که بخش‌های مختلف نظیر گردشگری و صنایع دستی می‌توانند زمینه بروز، ظهور، شکوفایی و موفقیت با عمد موفقیت خود را در آن ارزیابی کنند.

۲-۲- تکالیف میان‌بخشی و بخش گردشگری: گردشگری بنا بر ویژگی‌هایش ماهیتی میان‌بخشی دارد و حوزه گردشگری برای موفقیت در بخش خود نیازمند ایجاد هماهنگی با سایر بخش‌ها و ایفای نقش هماهنگ‌کننده، تسهیلگر و میان‌بخشی است. موفقیت این حوزه در سیاست‌گذاری و هدایت، نظارت، حمایت و تسهیلگری است. از این منظر، توفیق خود را در واگذاری حداکثری تصدی و رفع موانع و کمبودها برای ایفای نقش فعالان بخش خصوصی در چارچوب قوانین و مقررات حمایت‌جوی می‌کند. حوزه گردشگری ضمن تأمین منافع اقتصادی و کمک به تولید ناخالص ملی، ظرفیت مناسبی برای معرفی میراث فرهنگی، تاریخی و طبیعی را فراهم می‌آورد و از طریق معرفی مزیت‌های فرهنگی، تاریخی، قومی و بومی افضی‌نقاط سرزمین، زمینه‌ساز ارتقای شناخت و در نتیجه همبستگی ملی است.

۲-۳- تکالیف بخش صنایع دستی: بخش صنایع دستی با ایجاد زمینه مناسب برای فعالیت بخش خصوصی ضمن تأمین منافع اقتصادی زمینه انتقال هنرهای ملی به‌مثابه جاذبه‌های هویت ایرانی را فراهم می‌کند. از این منظر صنایع دستی با تمرکز بر هنرهای سنتی و ملی و بهره‌مندی از ظرفیت‌های منحصربه‌فرد این حوزه قادر است بازارهای بین‌المللی را به نفع تولیدات ایرانی تسخیر کند. بخش صنایع دستی موفقیت خود را در تقویت بنگاه‌های خصوصی تولید صنایع دستی و رفع موانع تولید و عرضه در مقیاس ملی و بین‌المللی جست‌وجو خواهد کرد. سیاست‌گذاری، تدوین و تصویب قوانین و مقررات مالی، اعتباری و حقوقی از وظایف این بخش به شمار می‌رود.

۳- گردشگری و صنایع دستی؛ هم‌افزایی در سایه میراث فرهنگی

با وجود رشد و توسعه گونه‌های مختلف گردشگری و ظرفیت‌های بی‌بدیل ایران در همه زمینه‌های گردشگری نظیر گردشگری شهری و روستایی، سواحل، کشاورزی، ورزشی، سلامت، درمانی و بهداشتی، آموزشی، خوراک و آشپزی و... ایران از نظر گردشگری تاریخی، فرهنگی و طبیعت‌گردی واجد ویژگی‌های منحصربه‌فرد و نام‌آشنایی در مقیاس بین‌المللی است.

۳-۱- گردشگری فرهنگی، محور توسعه گردشگری ایران: گردشگری فرهنگی، با محوریت بازدید از آثار و شواهد ملموس و ناملموس تاریخی و فرهنگی و طبیعی، می‌تواند به‌عنوان محور توسعه گردشگری ایران قلمداد شود. این بازدیدها باید با برنامه‌ریزی برای توسعه این گونه گردشگری، به جذب گردشگران بیشتر به کشور کمک کند.

۳-۲- صنایع دستی متأثر از میراث فرهنگی، هنرهای ملی-سنتی: صنایع دستی ایران، ریشه در تاریخ و فرهنگ این کشور دارد. صنایع دستی نه یک محصول فیزیکی، بلکه محصولی فرهنگی با ظرفیت معرفی، ترویج و انتقال ارزش‌های فرهنگی، هویتی و اعتقادی است؛ ارزش‌هایی که ریشه در هنرهای ملی و سنتی متأثر از هویت و باورهای ملی و اعتقادی دارند. حفظ و احیای هنرهای ملی و سنتی به‌مثابه یکی از ارزشمندترین جلوه‌های میراث فرهنگی ایران، به رونق صنایع دستی و ایجاد اشتغال و ارتقای قدرت رقابت بین‌المللی در این بخش کمک می‌کند.

۳-۳- هم‌افزایی گردشگری، صنایع دستی با میراث فرهنگی: برای توسعه پایدار گردشگری و صنایع دستی، ضروری است که بین میراث فرهنگی و این دو بخش هم‌افزایی ایجاد شود. تجربه بیش از دو دهه ادغام حکایت‌های تلخی از تضاد منافع سه‌گانه‌های این وزارتخانه بر جای گذاشته است. آن‌گاه که توسعه صنعت گردشگری به قیمت آسیب یا تخریب بخشی از میراث فرهنگی ملموس یا ناملموس تمام می‌شود، نمی‌توان به بهانه مسئولیت از زیر بار حفظ میراث ملی شانه خالی کرد. مشابه آنچه درباره تغییر ضوابط حریم آثار تاریخی با تلاش برای خروج آثار از فهرست آثار ملی کشور شاهد بوده‌ایم. وزارتخانه باید ضمن شناخت کامل تکالیف ذاتی و سلسله‌مراتب اهمیت این تکالیف، با ایجاد زمینه‌های همکاری بین این حوزه‌های سه‌گانه، ضمن رعایت ضوابط و مقررات حفاظتی، زمینه بهره‌مندی حداکثری حوزه گردشگری و صنایع دستی از ظرفیت‌ها و مواهب میراث فرهنگی را بیش‌ازپیش فراهم کند.

اصلاح ساختار سازمانی

تجربه‌های تلخ دو دهه پس از ادغام سه سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی نشان می‌دهد آن حوزه‌ای که آسیب‌های جبران‌ناپذیری را متحمل شده، حوزه میراث فرهنگی است، اگرچه همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، گردشگری و صنایع دستی نیز آسیب‌های بسیاری متحمل شده‌اند، با این حال میراث فرهنگی که غفلت و چشم‌پوشی از حفاظت پایدار آن جبران‌ناپذیر بوده و در مواردی بخشی از هویت ملی‌مان را به محاق فراموشی سپرده است. در این رهگذر از حساسیت بیشتری برخوردار است. دلایل این مصائب و مشکلات متعددند اما به‌طور خلاصه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف- تلقی اشتباه از میراث فرهنگی نزد تصمیم‌سازان که از عواقب آن می‌توان به انتصاب افراد بی‌پیشینه و تحصیلات مرتبط با وضع قوانین و مقررات مخرب، اشاره کرد.

ب- تضاد منافع میراث فرهنگی با توسعه نامتوازن و ناپایدار گردشگری و صنایع دستی.

ج- تفوق سیاست‌زدگی بر امر کارشناسی در تصمیم‌سازی‌ها و تدوین سیاست‌های خرد و کلان و حتی انتصابات حوزه میراث فرهنگی که نشانی از نبود استقلال حوزه میراث فرهنگی است.

د- ناآشنایی یا حساسیت امر مربوط به میراث فرهنگی از پژوهش تا حفاظت و معرفی که منجر به انتقال‌یافتن تجارب نسل‌های گذشته به متخصصان دوره معاصر و عدم جذب و تربیت متخصصان کارآمد و روزآمد و باتجربه شده است.

اینها تنها بخشی از مسائل مبتلابه حوزه حفاظت از میراث فرهنگی و هویت ملی در وزارت بادشده است. به نظر می‌رسد برای مقابله با مشکلات فوق راهی جز اصلاح ساختار وجود ندارد؛ بنابراین می‌توان با ایجاد «سازمان میراث فرهنگی» ذیل وزارت فوق که رئیس آن به‌عنوان معاون وزیر انجام وظیفه می‌کند، به استقلال علمی و تخصصی این بخش حساس و ظریف کمک کرد. به‌این‌ترتیب حوزه‌های گردشگری و صنایع دستی کماکان به‌عنوان حوزه‌های زیر نظر مستقیم وزیر می‌توانند ارتباط خود را با حوزه میراث فرهنگی حفظ کنند. این الگو هم‌اکنون در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دیگر وزارتخانه‌ها مورد عمل قرار می‌گیرد. آن‌چنان که سازمان میراث فرهنگی بیش از ادغام نیز با وضعیتی مشابه، ذیل وزارت‌های علوم و ارشاد فعالیت می‌کرد.

۴- برنامه‌هایی در راستای احیای هویت ملی

همان‌گونه که پیش‌تر به آن اشاره شد، مهم‌ترین تکلیف این وزارتخانه حفظ و احیای هویت ملی است. به نظر می‌رسد توفیق در این زمینه نیازمند برنامه‌هایی است که باید به‌سرعت در دستور کار قرار گیرند و با توجه به عقب‌ماندگی دو دهه گذشته باید به‌سرعت مورد توجه قرار گیرند. اهم این برنامه‌ها به اختصار عبارت‌اند از:

۴-۱- آموزش و فرهنگ‌سازی: برای حفظ و احیای میراث فرهنگی و هویت ایرانی، ضروری است که آموزش و فرهنگ‌سازی در این زمینه به‌طور جدی در دستور کار قرار گیرد. وزارتخانه باید با همکاری دیگر نهادها، به آموزش نسل کودک، نوجوان و جوان درباره اهمیت حفظ و احیای میراث فرهنگی و هویت ایرانی بپردازد.

۴-۲- حمایت از پژوهش و تحقیق: برای حفظ و احیای میراث فرهنگی، نیاز به پژوهش و تحقیق در این زمینه است. اقدامات مربوط به حفظ و احیای میراث فرهنگی ذاتا از جنس پژوهش هستند و وزارتخانه باید با حمایت از پژوهشگاه میراث فرهنگی که چتر حمایتی این نهاد پژوهشی همه پژوهشگران و مراکز تحقیقاتی مرتبط را شامل می‌شود، به ارتقای سطح دانش و جلوگیری از مخاطرات و آسیب به میراث فرهنگی کمک کند.

۴-۳- جلب مشارکت مردمی: برای حفظ و احیای میراث فرهنگی، نیاز به مشارکت همه مردم است. وزارتخانه باید با جلب مشارکت مردم در این زمینه، به حفظ حوزه میراث فرهنگی و صنایع دستی کمک کند.

۴-۴- آموزش نیروی انسانی و متخصص: برای شناسایی پژوهش حفظ و احیا و معرفی میراث فرهنگی و هویتی کشور وزارتخانه باید به جذب متخصصان و آموزش مستمر کارشناسان و مدیران بخش‌های مختلف مرتبط با حوزه میراث فرهنگی اهتمام جدی داشته باشد.

۵-۵- زمینه‌سازی انتقال تجربه پیش‌کسوتان: حفظ و احیای میراث فرهنگی واجد ویژگی‌هایی است که ماهیتا تابع دریافتی حکمی و شهودی است. حفاظت‌گران مانند هنرمندان بر پایه توانایی‌های علمی و کسب تجربه مستمر در صحنه عمل به مرحله‌ای از دانایی می‌رسند که انتقال آن از طریق گفت‌وشنود و نگارش به‌طور کامل میسر نیست. باید این انتقال تنها از طریق به‌کارگیری در میدان عمل مهیا شود و به دلیل کهولت سن پیش‌کسوتان میراث فرهنگی لازم است زمینه این‌گونه انتقال تجارب به‌سرعت فراهم شود تا این سرمایه‌های علمی-عملی در لابه‌لای ورق‌های تاریخی به فراموشی سپرده نشوند.

۶-۶- جلب مشارکت بخش‌های مختلف دولتی عمومی و خصوصی: برای حفظ و احیای بخش درخور توجهی از میراث فرهنگی کشور که در اختیار نهادهای عمومی دولتی و اماکن متبرکه است، لازم است سیاستی فعال و چابک برای جلب نظر این نهادها اتخاذ شود تا نهادهای فوق با هزینه‌کرد در این بناها و محوطه‌ها با میراث ناملموس متعلق به خود زمینه حفظ و احیای این بخش از میراث فرهنگی تاریخی و طبیعی کشور را بیش‌ازپیش فراهم کنند.

۷-۷- جلب همکاری حرفه‌مندان و صنوف: شناسایی، پژوهش، حفظ، احیا و معرفی میراث فرهنگی تاریخی و طبیعی کشور بدون جلب همکاری حرفه‌مندان حقیقی و حقوقی میسر نمی‌شود. وزارت باید جلب مشارکت حمایت و ارزیابی متقاضیان را سریعا فراهم کند. در این زمینه آموزش و نظارت بر کیفیت فعالیت‌ها با ابزارهای علمی، پژوهشی و فنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۸-۸- ممانعت و جلوگیری از حفاری‌های غیرمجاز و قاچاق اموال: یکی از زمینه‌های تخریب میراث فرهنگی که در سال‌های اخیر رشد فزاینده و خطرناکی را نشان می‌دهد، حفاری‌های غیرمجاز و قاچاق اموال و اشیای فرهنگی است. وزارت باید با ایجاد تعامل مؤثر با نهادهای انتظامی و امنیتی از یک سو و آموزش و جلب همکاری مردم و نهادهای مردمی غیردولتی و دیگر نهادهای عمومی و دولتی از سوی دیگر، زمینه ممانعت و جلوگیری از این پدیده‌های شوم و مخرب را فراهم کند.

۹-۹- جلب همکاری نخبگان، نوآوران و نهادهای پژوهشی و علمی: حل‌وفصل موضوعات و مشکلات مربوط به حوزه میراث فرهنگی با توجه به گستردگی و تنوع از یک سو و محدودیت منابع و نیروی انسانی از سوی دیگر، امری جز بهره‌مندی از فناوری و نوآوری نوآوران و مخترعان ندارد. وزارت باید در این مسیر گام‌های جدی اجرائی بردارد. متأسفانه با وجود شعارهای جذاب کماکان فضای ورود جوانان خلاق به زمینه‌های فوق آن‌گونه که شایسته است، فراهم نشده است. ورود جدی وزارت در این حوزه زمینه مناسبی برای ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب در مقیاس ملی و بین‌المللی به‌ویژه کشورهای همسایه و کشورهای حوزه نوروز فراهم خواهد آورد.

موارد بیان‌شده تنها بخشی از گام‌های اصلی این وزارتخانه برای رسیدن به اهداف برنامه‌های بالادستی و تکالیف و وظایف قانونی است.

پزشکیان و حکمرانی اقتصادی چندوجهی

جمال رشیدی
پژوهشگر سیاست‌گذاری اجتماعی

دیری است دوستان جان، آن که به چشم خود دیدم با مشقت وصف‌ناپذیر، کسب‌وکاری را که اندخاته‌اند، سودای پایان ایسن راه را دارند. چندی از آنان، وسایل و ماشین‌آلات خط تولیدشان را به برخاج گذاشته‌اند. مانند دیگر هم‌طبقان‌شان:

«اسمال بیش از ۹۰ درصد آنهایی که در کانال با هم بودیم؛ وسایل‌شان را برای فروش گذاشته‌اند و سوله‌ها را اجاره می‌دهند.

یکی‌شان می‌گفت هشت نفر را بیمه کرده و سالی بالغ بر ۳۰۰ میلیون تومان مالیات در بودجه می‌دهم. دیگر تاب استرس و قبول ریسک ندارم. آپارتمانی خواهم خرید و از قِبل اجاره‌اش، یافی زندگی را به نظاره‌گری خواهم سپرد».

این دل‌نوشته کوتاه و به نظر رو خوانده اندوهناک که بایسته است دل هر ایرانی را به دلهره وادارد، دیباچه‌ای بر روایتی از سیاست‌گذاری اقتصادی در ایران است که پیشانی‌اش به سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم تاکنون برمی‌گردد. به گواه داده‌های بانک ملی، از فروکش‌کردن جنگ جهانی دوم تا ۱۳۳۲، میزان تورم بیش از هزار درصد بوده است. دکتر جهانشاهی، ولی مجلس شورای ملی نیز بر اساس داده‌های هجسنج، اعلام می‌کند. سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۱۸ یعنی ماخذ اقتصادی در ایران با [...] سال ۱۳۳۵، قیمت‌ها در حدود ۱۳ برابر بالا رفته است» (مشروح مذاکرات مجلس ردیز یکشنبه ۲۱ اسفندماه ۱۳۳۵). این تورم مزمن، به بخش تفکیک‌ناپذیر اقتصاد ایران بدل می‌شود و انگار که وکلای مجلس نیز هرگونه اندیشه‌ای را که بر اساس آن، به حساب ناکارآمدی دولت می‌گذاشتند، جنان‌که مشهود در زمان ارائه لایحه بودجه در ۱۳۳۱ به وزیر مالیه توصیه می‌کند کسری بودجه ناچیزی را لحاظ کند تا دولتش به کمگرای محکوم نشود. اما کسری بودجه حتی در دوره روزق اقتصادی نیز دامنه داشت، کمااینکه عبدالمجید مجیدی، رئیس وقت سازمان برنامه در دهه ۱۳۵۰ چنین نقل می‌کند: «وقتی درآمد نفت قرار بود بالا برود، ما وخست‌مان می‌گرفت چون همیشه بیش از آنچه عملا درآمد داشتیم، تعهدات اضافه می‌شد... بنابراین درست است که در آمد اضافه می‌شد ولیکن همیشه ما به‌دهکار بودیم» (مجیدی، ۱۳۵۴:۱۱/۲۵). «حدوداً یک سال از تجدیدنظر در برنامه پنجم نگذشته در اتابستان ۱۳۵۴) صحبت از به‌اصطلاح عدم تعادل درآمد و هزینه پیش می‌آید... ما همیشه گرفتاری کسر بودجه را داشتیم» (مجیدی، ۱۳۵۴:۱۰/۷).

ترّا منفی بودجه اما خودبه‌خود شاید مسئله عمده‌ای باشد. ولی سیاست‌های مالی و پولی که سودای جبران این ناترازی را در سر دارند، مهم‌ترین مکانیسم‌های سیاست‌گذاری در ایران مدرن بوده است. شاید لایحه بودجه تقدیمی دکتر اقبال، نمونه کاملی از اتحاد سیاست‌های مالی و پولی در ایران باشد. نخست‌وزیر در خرداده‌ماه ۱۳۳۷ این‌چنین سخن می‌راند: «ما بودجه را آوردیم خدمت آقایان. دخل‌وخرج را رسیدگی فرمودید و ملاحظه فرمودید که ما ۱۴۵ میلیون تومان کسر داریم و این ارقامی را که تنظیم‌اش، بودجه‌ای مالیات‌های مستقیم را مالیات‌های غیرمستقیم بودجه تقدیمی بسیم» (مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه ۲۶ اسفندماه ۱۳۳۴). اما دوباره دوران مدیر گذشته را ادامه می‌داد و نتیجه آن شد که در اواخر دهه، رکود سنگینی در بخش‌های مختلف رخ داد و ممزوج با تورم ابعادشدید، قضا را برای کسب‌وکارهای مختلف خان تنگ کرده بود که آمار خودکشی از ۱۳۳۶ به بعد، افزایش یافت.

می‌خواهیم درپای سیاست‌گذاری غیرهمگرای اقتصادی در تراریخ ایران را بیان کنیم که چگونه مسیر گردش سرمایه در سطح کلان کشوری را تعیین می‌کند و بخش صنعت را به نفع دو بخش مستغلات و بازرگانی، به ورطه نابودی می‌برد. ضمن تایید نکات مرقوم در منتشره رئیس‌جمهور منتخب تحت عنوان «بیانیه اجتماعی؛ جمع‌بندی مواضع اعلامی دکتر پزشکیان و مشاوران اقتصادی ستاد» ایشان، خاطرنشان شوم که امر خطیر سیاست‌گذاری اقتصادی، بسیار فراتر از موارد یادشده در بیانیه است و انتظار می‌رود دولت چهاردهم با تمرکز بر سیاست‌گذاری اقتصادی همگرا، تصمیم‌سازی سخنی را اتخاذ کند. در وهله اول، از بر بست «تأمین مالی» باید فرارفت و به هدایت سرمایه به بخش «صنعت» روی آورد. در کنار سیاست‌های بازرگانی خانمان‌برانداری که این روزها با بار بسیار جذاب کالاهای چینی تبدیل گردیده و برترگیرین ضربه را در طول تاریخ ایران به بخش صنعت به‌ویژه صنایع متوسط و خرد وارد کرده است، بدون پرداختن به بازارهای جایگزین و تحلیل میزان جذابیت آنها برای گردش سرمایه، موفق نخواهیم بود. سیاست‌های اشتباه مالی و ارزی، طی چندین دهه، عمده بازارهای فلزی «صنعت» را به اندازای جذاب گردداند که امروزه به جای «نوّمندترین کارآفرین» در بخش صنعت، با «توکسیه‌های نوّمند» بخش مستغلات و واردات روبه‌رو هستیم و رقابت برای بهره‌مندی از رانت‌های تولیدی دولت در سیاست‌های ارزی اشتباه، همچنان واردکنندگان را در صف مقدم بهره‌مندی از سیاست‌های اشتباه دولت قرار خواهد داد و آنان که از چنین رانت‌هایی برخوردار نیستند، تمایل دارند به جای «کارآفرین ریسک‌پذیر» به «توکسیه مستغلات» تغییر ماهیت دهند.

دولت چهاردهم ناگزیر است با چینش معطوف به تأمین منافع ملی در همه سطوح و بخش‌های حساس دولت مانند وزارت اقتصاد، بانک مرکزی، وزارت صنعت، سازمان برنامه و وزارت رفاه، سیاست‌گذاری‌های اقتصادی متهوارانه‌ای را ارائه کند که کردش سرمایه برای سومین بار در تراریخ ایران مدرن، از «مستغلات» و «بازرگانی» به سمت «صنعت» تغییر رقم زده و به جای مالیات‌های غیرمستقیم، به سمت سازوکارهای مالیات‌های مستقیم با پشتوانه مجلس شورای اسلامی و دیگر دستگاه‌های سیاستی برود. اگرچه تلاش‌های دولت مصدق برای پشتیبانی از صنعت و احداث مالیات از دیگر بخش‌های غیرمولد در کنار نظم‌بخشی به آنها، غیرقابل اعتراض «زمین‌داران» بزرگ را فراهم کرد و دسیه‌های این طبقه نیز در زوال دولت او بی‌تاثیر نبود، اما تجربه دهه ۲۰ ه.ش نشان داده است با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی همگرا به پیچ سخن «صنعت»، دوباره می‌توان بارقه‌های امید را شاهد بود. در سیاست‌های رفاهی نیز باید خاطرنشان کرد که مهم‌ترین بازیگر افیت کیفیت زندگی «کارگران» در ایران، نه کارفرماها و کارآفرینان، بلکه خود «دولت» است که با ایجاد توّم، انتظار دارد میزان حقوق و دستمزد، متناسب با تورم افزایش یافته و پرداخت مابه‌التفاوت مربوطه را «کارفرمایان» تقبل کنند. درحالی‌که این دولت نیز به ایجاد تورم، هم سطح کیفیت زندگی کارگران را کاهش داده، هم ریسک کارفرمایان را افزایش می‌دهد. دولت موظف است با تقبل مسئولیت در قبال تورم ایجادشده، بخشی از تأمین رفاه «کارگران» را تقبل کرده و از این طریق، هم ریسک‌پذیری کارفرمایان را افزایش دهد و هم شاخص‌های فلاکت را تعدیل کند. قاعده «افزایش حقوق کارگری متناسب با تورم»، در وهله اول، دولت را از تقبل بسیاری کاهش سطح رفاه و کیفیت زندگی کارگران، ممراکرده و افزایش حقوق کارگران (به‌عنوان مکانیسم ترمیمی در برابر تورم ایجادشده) را بر گرده کارفرما می‌گذارد و از این طریق دو پیامد ناخواسته پدید می‌آورد که به همین ترتیب خاورمیانه و... از دیگر زمینه‌های جغرافیایی تشدید شیاد «توّمندترین کارآفرین» به گردش سرمایه در بخش‌های غیرمولد به تقدیمی بسیم» (مشروح مذاکرات مجلس روز پنجشنبه ۲۶ اسفندماه ۱۳۳۴). اما دوباره دوران مدیر گذشته را ادامه می‌داد و نتیجه آن شد که در اواخر دهه، رکود سنگینی در بخش‌های مختلف رخ داد و ممزوج با تورم ابعادشدید، قضا را برای کسب‌وکارهای مختلف خان تنگ کرده بود که آمار خودکشی از ۱۳۳۶ به بعد، افزایش یافت.

جایابی ادهوکراسی در خط مشی دولت پزشکیان

فرید شاهمرادی
دانشجوی دکترای خط‌مشی‌گذاری

اگر بخواهیم بر انعطاف‌پذیری، آزادی عمل و سازگاری با شرایط پویا و متغیر در ساختارها و فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌های دولتی تأکید کنیم، الگویی تحت عنوان ادهوکراسی (Adhocracy) به‌عنوان یک شکل متمایز از سازمان‌دهی و خط‌مشی‌گذاری در مقابل بوروکراسی سنتی پیشنهاد خواهد شد. در ادهوکراسی، تصمیمات و خط‌مشی‌ها بر پایه هماهنگی و همکاری افراد متخصص و گاه به موضوع در شرایط خاص شکل می‌گیرد، نه صرفا بر مبنای قوانین و مقررات از پیش تعیین‌شده. این امر باعث می‌شود خط‌مشی‌ها بتوانند انعطاف‌پذیرتر و متناسب‌تر با نیازهای متغیر جامعه طراحی و اجرا شوند. همچنین، نقش بخش‌های دولتی،